

دکتر محمد حسین پاپلی یزدی در گفت و گوی اختصاصی با ماهنامه پسته هشدار داد:

## تصدی‌گری دولت در بخش آب کاهش یابد

آب است. در یک چرخش آب، شما ببینید که چه اتفاقی می‌افتد. بنابراین در ویرایش قانون جامع آب باید پافشاری کنیم که تصدی‌گری دولت کاهش پیدا کند. در قانون هم دیده شده است. ولی باید حداکثر کاهش تصدی‌گری دولت شود و اختیارات به خود مردم که مالکین آب‌ها هستند داده شود.

بحث دیگری که در قانون هنوز مبهم مانده، این است که سرمایه‌گذاری‌های اصلی آب‌های سطحی یعنی سدها و شبکه‌ها مال دولت است و دولت نمی‌تواند حق و حقوق خود را از آب‌های سطحی بگیرد. ولی ۹۹ درصد سرمایه‌های آب‌های زیرزمینی مال مردم است. یعنی چاه‌ها و تاسیسات چاه‌ها و برق چاه‌ها را مردم پول داده‌اند و خریده‌اند. فقط چاه‌هایی که آب شرب است، مال دولت است. درحقیقت آب کشاورزی در اختیار مردم است، آب سطحی دست دولت است.

مدت سی‌سال است که بودجه‌های آب سطحی در وزارت نیرو تقریباً بین ۹۵ تا ۹۷ درصد بودجه وزارت نیرو را به خودش اختصاص می‌دهد. یعنی وزارت نیرو در طول سی سال فقط بین سه تا پنج درصد و جدیداً هفت درصد اعتبارش را برای آب‌های زیرزمینی گذاشته است. یعنی عدم تعادل خیلی بزرگی در وزارت نیرو بین اعتبارات آب‌های زیرزمینی و آب‌های سطحی وجود دارد. همین باعث شده که مشاورین، بیشتر به طرف آب‌های سطحی گرایش پیدا کنند. مشاورین بزرگ کشور به آب‌های زیرزمینی کاری ندارند و بیشتر همت‌شان روی سدسازی و شبکه‌سازی آب‌های سطحی است. نتیجه‌اش این است که آب‌های زیرزمینی فراموش شده است.

**سازمان سنجش** برای آب‌های زیرزمینی چه باید می‌کردند؟ یا بهتر بگوییم چه باید بکنند؟ باید حداقل ۳۰ درصد اعتبارات وزارت نیرو، برای آب‌های زیرزمینی می‌بود. اگر ۳۰ درصد اعتباراتشان را برای تعادل بخشی آب‌های



ماهنامه پسته - سابقه‌ی تدریس در دانشگاه‌های فردوسی مشهد، تربیت مدرس تهران و سوربن پاریس را دارد. مدیر عامل اتحادیه تعاونی‌های آب بران استان خراسان بزرگ هم هست و تجارب ارزنده‌ای هم در بخش آب و کشاورزی دارد. محمدحسین پاپلی یزدی مسئول انتشارات پاپلی، مدیر مسئول و صاحب امتیاز فصلنامه تحقیقات جغرافیایی و مدیر مسئول و صاحب امتیاز فصلنامه اقلیم است که این بار پاسخ‌گوی پرسش‌های ماهنامه پسته انجمن پسته ایران شده است که می‌خوانید.

**سازمان سنجش** آقای پاپلی! شما قانون جامع آب را مطالعه کرده‌اید؟  
بله.

**سازمان سنجش** ویرایش چندم را ملاحظه کردید؟  
هشتم.

**سازمان سنجش** می‌خواستیم نظرات شما را در خصوص این ویرایش از قانون جامع آب بدانم؟  
قانون جامع آب ویرایش هشتم، مباحث خیلی خوبی بخصوص از دیدگاه مردم دارد. اگر این قانون تصویب شود، معنایش این است که مشارکت‌های مردمی دیده شده و وارد یک مرحله توسعه از پایین به بالا شدیم. چون قوانین قبلی را دولت از بالا می‌نوشت و تایید می‌کرد و نظر مردم را نمی‌خواست. همین‌که انجمن‌های مختلف، خانه کشاورز، انجمن پسته و ... نظر دادند خود این، یک نوع پیشرفت است. ولی مهم اجرا است. چون قوانین ما در این مملکت شاید بد نباشد، مسئله اجرا، کنترل‌ها و نحوه‌ی نظارت‌هاست و اینکه چه کسی می‌خواهد اجرا کند. در قوانین قبلی هم بوده "کسی چاه غیر مجاز حفر نکند" ولی الان در اکثر دشت‌های ما حداقل یک سوم چاه‌های غیر مجاز است. خوب این قانون که بوده، چگونه می‌خواهند اجرا کنند؟

**سازمان سنجش** شما نگران برداشت‌های سلیقه‌ای از قانون هستید؟ یا نگران نحوه اجرای این قانون؟  
هر دو؛ هم نحوه‌ی اجرا و هم برداشت‌های سلیقه‌ای. به نظر من باید دستگاه اجرا هم به بخش خصوصی اهمیت ویژه دهد. نظر من این است که دشت‌ها باید واگذار شود به تعاونی‌ها و تشکل‌های بخش خصوصی. این را قبلاً در زمانی که آقای دکتر زرگر معاونت وزارت نیرو بودند، در مشهد و جاهای دیگر اقدام کرده بودیم. ایشان بخشنامه‌ای صادر کردند که مدیریت و نظارت و کنترل محدوده تعاونی‌ها، یعنی حوزه جغرافیایی تعاونی‌ها واگذار شود به خود تعاونی‌ها. مثلاً دشت شیروان یک انجمن صنفی دارد که قرار شد دشت شیروان را تحویل این انجمن دهند و تمام کارهای تصدی‌گری دولت - نه کارهای حاکمیتی - را این انجمن انجام دهد. ولی باز کارمندان شرکت آب منطقه‌ای با وجود اینکه دستور وزیر هم بود، اجرا نکردند. ما در مملکت قوانین خوبی داریم که قوانین یا برداشت سلیقه‌ای می‌شود و یا دستگاه‌های اجرایی، اجرا نمی‌کنند و یا متولی هر کاری چندین دستگاه است.

در خود وزارت نیرو شرکت آب مسوول تامین آب است، وقتی آب به فاضلاب تبدیل شد، مسوولیتش با آبفا است و آبفا باید فاضلاب را تصفیه کند. زمانی که آب تصفیه شد، آب آن در اختیار شرکت

پاسخگوی این نیاز است، یا مکانیزم و جایگاه جدید و مشخص می‌خواهد؟

من حدود ۷۴ تشکل درست کردم. ولی تشکل که درست می‌شود، بلافاصله دولت رها می‌کند و می‌گوید بروید برای دولت کار کنید. یعنی عملاً کارمندان دستگاه دولتی نشسته اند که یک عده‌ی دیگری برای آن‌ها، بدون هیچ‌گونه آموزش و پشتیبانی، کار کنند. ما تشکل‌ها را درست می‌کنیم، وزارت نیرو پول می‌دهد، ولی بعد از آن پشتیبانی نمی‌کند و آموزش و امکانات نمی‌دهد. در عین حال همین تشکل‌های نیم بند موثرند. به عنوان مثال، ما هشت تعاونی زیر سد دوستی درست کردیم که دارند آب سد دوستی را بدون دعوا و مرافعه توزیع می‌کنند. ما حدود ۶، ۷ تشکل زیر سد شیروان درست کردیم، ۵ تشکل زیر سد شیرین‌دره درست کردیم. دو تشکل زیر سد اسفراین درست کردیم. این تشکل‌ها به جای دستگاه‌های دولتی، آب را توزیع می‌کنند، ولی کارمندان و کارشناسان وزارت نیرو، برای اینکه خودشان بیکار نشوند جلوی تعاونی‌ها را می‌گیرند و فقط زمانی که این تعاونی‌ها کمک کار آن‌ها هستند می‌گویند بروید این کار را برای ما بکنید؛ این که نمی‌شود. به ازای هر تشکل، باید کارمندان وزارت نیرو کم شوند. یعنی وقتی که وزارت نیرو تشکل درست می‌کند، آب یک سد بزرگی را تحویل مردم می‌دهد، ولی روز به روز هم تعداد کارمندان خودش را زیاد می‌کند. اینک فایده‌ای ندارد. باید یک مهندس ناظر بر این تشکل‌ها باشد و نظارت کند. به عنوان مثال در سرخس وقتی تشکل‌ها نبودند، شرکت آب یک یا دو نفر کارمند داشته است. بعد که تشکل‌ها درست شدند و دارند کارشان را انجام می‌دهند، در شرکت آب منطقه‌ای بیست نفر جمع شدند و همین بیست نفر می‌بینند که اگر بنا باشد همه‌ی کارها به تشکل‌ها واگذار شود، عملاً بیکار می‌شوند، بنابراین دائم دارند ایراد می‌گیرند. این عدم تعادل بین نیرو در همه‌ی وزارت خانه‌ها است و در وزارت نیرو هم هست. یعنی در کل کشور تصدی‌گری به حدی رسیده که ۸۵ درصد اعتبارات کشور اعتبارات جاری است. یعنی اینکه باید حقوق دهند و همین کار را مشکل می‌کند.

سه هزار سال وجود داشته است. سه هزار سال مردم، آب این مملکت را بدون دخالت دولت مدیریت کردند. ۶۰، ۷۰ سال و بخصوص ۳۰ سال اخیر است که دولت می‌خواهد همه‌ی کارها را بکند. بر عکس سوال شما آیا این پتانسیل در دولت وجود داشته است؟ اگر داشته چرا با این کم‌آبی و مشکلات روبرو شدیم؟

دولت که نمی‌گوید "کارمندان وزارت نیرو برای اینکه پست و شغل خودشان را از دست ندهند، با مردم و تشکل‌های مردمی مخالفت می‌کنند." در صورتی که همه‌ی دنیا به سوی NGOها و تشکل‌های مردمی رفته است. ما هم سه هزار سال داشتیم. می‌گویند: "مردم توانمند نیستند." مردم اگر خرابکاری هم بکنند، از این بدتر می‌کنند که همه دشت‌ها خراب است؟ دریاچه‌ها، تالاب‌ها، رودخانه‌ی زاینده‌رود، باتلاق گاو خونی و ... خشک شده است. از این بدتر نمی‌شود.

بین واگذاری و رهاسازی تفاوت وجود دارد. ما نمی‌خواهیم که دولت رها کند، می‌خواهیم که دولت واگذار کند. وقتی می‌خواهیم که واگذار کند، نوعی مشارکت است. این مشارکت، مستلزم آموزش و توانمندسازی است. نمی‌گوییم که امروز تشکل درست کردیم، فردا دولت همه‌ی کارها را به این تشکل بدهد. همانطور که در ضوابط و استانداردهای بین‌المللی است، هر کجا تشکل به وجود آمده است، بین هفت تا دوازده سال، این تشکل‌ها حمایت و نظارت می‌شوند و به آن‌ها آموزش داده می‌شود تا به کار خودشان استوار شوند.

یکی از دلایلی که کشور هند می‌تواند نیاز غذایی‌اش را تامین کند، وجود تشکل‌ها است. بنابراین دولت نشان داده که توان اداره‌ی منابع آب کشور را ندارد و این بحران‌ها از دخالت‌های بیش از حد دولت در همه‌ی امور است. در صورتی که اگر دشت‌ها تحویل خود تشکل‌های مردمی می‌شد، خود مردم نظارت می‌کردند و اجازه نمی‌دادند که این همه آب، بی‌رویه از زمین برداشته شود و هر کسی هر طور که می‌خواهد آبیاری کند.

آیا تشکل‌های آب بران که در طرح تعادل بخشی منابع آب پیش بینی شده بود

زیرزمینی گذاشته بودند، وضع اینطوری نبود. یعنی دولت امکان این را داشت که:

- ۱- جلوی حفر چاه‌های غیر مجاز را بگیرد.
  - ۲- بهره‌وری از آب‌های زیرزمینی را بالا ببرد.
  - ۳- کاری کند که الگوی کشت مناسب روی آب‌های زیرزمینی باشد و الگوی استفاده بهینه از آب ایجاد شود.
- مشاورین ما این کار را نکردند، چون سودی در آن نبوده است. هم وزارت نیرو اعتبار نداشته هم اختیار دست مردم نبوده است. جالب اینجا است که دولت دخالتش را در آب زیرزمینی که اکثریت مطلق آن مال مردم است به حداکثر می‌رساند؛ در چیزی که مال مردم است. دولت یک زمانی حق‌النظاره می‌گرفته که الان نمی‌گیرد. ولی هر گونه کاری که مردم بخواهند انجام دهند؛ یعنی از زدن چاه، تعیین حریم، کف شکنی، بهره برداری و ... تمام آن به عهده دولت است، در صورتی که سرمایه بخش خصوصی است. یعنی دولت آمده سرمایه بخش خصوصی را کنترل می‌کند. بدون اینکه اجازه دهد خود اصناف بخش خصوصی و تشکل‌های بخش خصوصی دخالت کنند. در صورتی که جایی که سرمایه‌ها مال دولت است، مردم هیچ گونه نقش و نظارتی ندارند. یعنی معکوس قضیه نیست. مردم هیچ کاره هستند.

**شما خواهان متقابل کردن این رابطه هستید یا اساساً نظارت دولت را مذموم می‌دانید؟**

اساساً معتقدم که علت کمبود آب در کشور و مشکلات کشور تصدی‌گری بیش از حد دولت است و این تصدی‌گری باید کاهش پیدا کند. یعنی تمام قوانین ما باید در جهت کاهش تصدی‌گری دولت باشد. البته ما بخش حاکمیتی دولت را قبول داریم، ولی تصدی‌گری دولت باید کاهش پیدا کند. دستگاه وزارت نیرو باید در حد نظارت و کنترل باشد و بقیه‌اش باید به مردم، به انجمن‌ها و تشکل‌های مردمی واگذار شود.

این پتانسیل در بخش خصوصی یا همان تشکل‌های مردمی وجود دارد که این واگذاری از سوی وزارت نیرو صورت بگیرد؟